

# پیش‌درآمدی بر هویت‌بخشی به ساختار کالبدی شهرها با رویکردی به شهر اسلامی

مهدی علیان<sup>۱\*</sup> و محمدحسین سرائی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> پژوهشگر باشگاه پژوهشگران و نخبگان جوان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات و دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده رابط)

<sup>۲</sup> دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

[\\*E-mail: M.alian\\_87@yahoo.com](mailto:M.alian_87@yahoo.com)

## چکیده

شهر اسلامی به عنوان نمود تمدن اسلامی، شهری است که مبانی، ارکان، ساختار و هویت شهر از کلام الهی به روشنی قابل دریافت باشد. این شهر از جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی می‌باشد. جنبه کالبدی یکی از این جنبه‌ها و ساخت و ساز در شهرهای اسلامی نیز یکی از جنبه‌های کالبدی می‌باشد. ساخت و ساز، معماری و طراحی در شهرهای اسلامی با دیگر ابعاد زندگی شهری رابطه‌ای متقابل دارد و در واقع ساختار کالبدی شهر نقشی اساسی در شکل‌دهی به ساختارهای روحی- روانی، اجتماعی و اقتصادی ساکنین شهرها دارد. امروزه با توجه به این که این شهرها با مشکلاتی از قبیل بحران هویت، مشکل مشرفیت، عدم مقاوم‌سازی بناها، منظر نامناسب و... روبرو گردیده است، اهتمام به این جنبه از شهر اهمیت بالایی یافته است. در همین راستا این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی به دنبال ارائه راه‌حلی در جهت رفع مشکلات فوق، با استعانت از مبانی دین مقدس اسلام بوده و پس از بررسی و مطالعات کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده است که اسلام و مبانی این دین برای زندگی انسان‌ها ارزش قائل شده و همه زوایای زندگی توجه داشته است و برای شهر روح معنوی را قائل شده است، چیزی که ما امروزه از آن به عنوان هویت یاد می‌کنیم. بدیهی است که غفلت از این روح معنوی در ساخت و سازها و جنبه‌های کالبدی به تک بعدی شدن انسان و کاهش رشد و کمال او منجر خواهد شد. بنابراین فقه و شریعت اسلامی به عنوان اصول و راهنما در ساختمان‌سازی و نظام شهرهای اسلامی می‌تواند به عنوان مرجع قرار گیرد و در کلیه فرآیند مکانیابی و ساخت و ساز به کار گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: شهراسلامی، ساختار کالبدی، ساخت و ساز، هویت شهری.

## مقدمه

یکی از فضاهاى جغرافیایی که از دیرباز انعکاس دهنده ایدئولوژی نظام‌های حاکم بوده، پدیده شهر است. پیدایش شهر یکی از بزرگ‌ترین تحولات فرهنگ بشری و نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی بوده است که موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان با هم‌نوعان خود شده است. بر این اساس شهر اسلامی بایستی بازتاب اندیشه‌های متعالی دین مبین اسلام در تمامی جوانب باشد [۱]. به همین دلیل ما به عنوان یک مسلمان برای شناخت جایگاه شهر اسلامی لازم است که مختصری با ایدئولوژی اسلامی آشنایی داشته باشیم.

اسلام یک دین کامل الهی، همواره فرهنگ را به ایمان و انگیزه تبدیل می‌کند که این به معنای اوج کارایی، شکوفایی و قدرت اثرگذاری فرهنگ به عنوان بازتاب اندیشه‌ها و اسرار روح مسلمانان است که ریشه در قرآن دارد [۲]. براساس نظر بسیاری از پژوهشگران دینی، اسلام آئینی مدنی است که مشارکت جمعی را در عبادت فردی مورد توجه قرار می‌دهد و این مطلب پذیرفته شده است که بیشتر تعلیمات اسلام، به بهترین شکل در محیطی شهری نمود پیدا می‌کنند [۳]. اما رواج تعبیر شهر اسلامی و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان (به ویژه شهر اسلامی نامیده شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان‌نشین)، با این فرض که این شهرها، از نظر کالبدی، جلوه‌گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی بوده، و به این ترتیب، از شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایز می‌باشند، از قرن نوزدهم میلادی و به وسیله مستشرقین آغاز شد. از آن دوران به بعد، این تعبیر که به شهرهای ساخته شده توسط مسلمانان و محل زندگی آنان اطلاق می‌شد، به مرور در نوشته‌ها و آثار مربوط به شهر که به بررسی سکونتگاه‌های مسلمانان می‌پرداختند، بر این اساس که با حریم فیزیکی و یا ذهنی خاص خود تجلی جامعه و فرهنگی متمایز از سایر تمدن‌ها می‌باشند، با معرفی خاورشناسان در ادبیات غرب، تثبیت شد [۴].

اما نکته‌ای باید به آن توجه داشته باشیم این است که شهر اسلامی، شهری نیست که فقط نمادهای مذهبی در آن رخ بنماید، بلکه ویژگی بارز آن انتظام و تعادل در مجموعه شهر می‌باشد، تا در سایه تعالیم آسمانی، بهترین شهروندان را در زیستگاهی امن، پررونق و خدامحور تربیت نماید و به طور کلی شهر دارای هویت اسلامی باشد. ما به عنوان یک مسلمان معتقدیم راه حل مشکلات گوناگون انسان در قرآن نهفته است و در حوزه شهرسازی نیز آیات قرآنی توان حل مسائل بشر را دارند و با بررسی آیات قرآنی می‌توان ضمن تعریف شهر اسلامی حقیقی، دست به ایجاد شهرهایی سالم و پایدار زد.

از طرفی سیاستهای کلی ابلاغی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از طرف مقام معظم رهبری به دولت، که عنوان می‌دارد: هویت‌بخشی به سیمای شهر و روستا و باز آفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی - اسلامی باید یکی از شاخصه‌های برنامه پنجم توسعه باشد و در همین راستا شهرداری‌ها و استانداری‌ها را مکلف به پیگیری مطالبات معظم له کرده بر اهمیت موضوع فوق می‌افزاید.

ساخت و ساز و به عبارت دیگر نوع معماری و طراحی در شهرها با دیگر ابعاد زندگی شهری رابطه‌ای متقابل دارد و در واقع ساختار کالبدی شهر، نقشی اساسی در شکل‌دهی به ساختارهای روحی - روانی، اجتماعی و اقتصادی ساکنین شهرها دارد. امروزه با توجه به این که مشکلات زیادی در شهرهای اسلامی وجود دارد و برخی از مشکلات آن‌ها ناشی از ساختارهای کالبدی نامناسب این شهرهاست (نظیر بحران هویت، مشکل مشرفیت، عدم مقاوم‌سازی بناها، منظر نامناسب و...) بنابراین

ضرورت رفع آن‌ها احساس می‌گردد.

لحاظ احکام اسلامی در برنامه‌ریزی، طراحی و ساخت و سازهای شهری از اولین قدم‌ها در تبدیل شهرها به شهرهایی اسلامی و مناسب حال مسلمانان می‌باشد. بر همین اساس شناخت و کاربرد این احکام و بازتاب آن‌ها بر روی ساخت فضایی و کالبدی شهرهای امروزی خصوصاً کلانشهرها، کاری است که باید به صورت علمی انجام شود. برنامه‌ریزان و مسئولین امر نیز باید پس از شناخت احکام و روح دین در خصوص مسائل شهری و با استفاده از تحلیل‌های عمیق و کارشناسی شده، بهترین راه‌حل‌ها را اتخاذ کنند. بر همین اساس پژوهش حاضر به دنبال این مسئله است که شهروندان در یک شهر بتوانند به راحتی به احکام واجب خود عمل نموده و از محرمات پرهیز نمایند. همان‌گونه که می‌دانیم ساختارهای کالبدی تبلور یافته و انعکاس فیزیکی روابط و نظام اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه بوده و این کالبد و فرم فیزیکی متأثر از ساختارهای اجتماعی - اقتصادی جامعه خواهد بود.

در این مقاله جایگاه شهر اسلامی در تعالیم دینی کاوش شده است و سعی گردیده با تأکید بیشتر بر جنبه‌های کالبدی راه هویت بخشی به شهرها و به طور ویژه ساخت و سازهای شهری هموار گردد.

### پیشینه پژوهش

با بررسی‌های به عمل آمده در زمینه پیشینه تحقیق، فقر تحقیقاتی در زمینه جنبه‌های کالبدی شهر اسلامی کاملاً مشهود است و به جز چند مورد انگشت شمار مابقی تحقیقات در رابطه با شهر اسلامی به واقعیت‌های موجود و فعلی شهر اسلامی پرداخته‌اند. اما در سال‌های اخیر بازگشت به مفاهیم اسلامی نزد محققان جایگاه بهتری یافته و روند توجه به مبانی اسلامی بیشتر گردیده است.

دوره نخست مطالعات شهر اسلامی مربوط به متونی است که سعی کرده‌اند برای اولین بار شهرهای مربوط به سرزمین‌های شمال آفریقا و خاورمیانه را با عنوان شهرهای اسلامی تعریف نمایند. هرچند این شهرها پیش‌تر توسط جهانگردانی توصیف شده بودند، اما اولین گام‌های خوانش علمی شهر اسلامی در شهرهای این منطقه برداشته شد [۵]. اگر بخواهیم به صورت گذرا به تعدادی از پژوهش‌های انجام شده اشاره کنیم، می‌توانیم موارد زیر را نام ببریم:

سلطان‌زاده در برخی از مقالات خود به تأثیر اسلام در ساخت شهرها پرداخته‌است و برخی از ویژگی‌های کالبدی این شهرها را مورد اشاره قرار می‌دهد. به نظر وی بیشتر بناهای مسکونی، تجاری و خدماتی در شهرهای تاریخی کشور، یک یا دو طبقه بوده‌اند و در نتیجه شهر از یک خط آسمان صاف و هموار برخوردار بوده است و تنها مساجد در سایر بناهای بزرگ مذهبی از ارتفاع بیشتری نسبت به بناهای مجاورشان برخوردار بودند و به عنوان عنصر شاخص شهرهای اسلامی محسوب می‌شوند.

نقی‌زاده نیز در زمینه ادبیات موضوع دارای سابقه زیادی می‌باشد و به عنوان یکی از پیشگامان این عرصه محسوب می‌گردد. ایشان علاوه بر نگارش دو کتاب در این زمینه با عناوین «شهرسازی و معماری اسلامی» و «ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی»؛ مقالات چندی در این رابطه نوشته است. از وجوه بارز مطالعات ایشان نسبت به سایر مطالعات این است که

ضمن تشریح ویژگی‌های شهر اسلامی، اصول و مبانی مختلفی از آیات قرآنی و روایات اسلامی استخراج نموده و بر این عقیده است که با به کارگیری آن‌ها می‌توان شهرهای پایدار و اسلامی را ایجاد نمود.

بسیم سلیم حکیم در کتاب «شهرهای عربی - اسلامی اصول شهرسازی و ساختمانی» به بیان اندیشه‌های فقه اسلامی تأثیرگذار در ساختار شهرهای اسلامی و نیز بررسی عناصر شهری در شهرهای اسلامی همراه با تفسیری از فرآیند ساخت و ساز فرم شهری می‌پردازد [۶].

هشام مرتضی در فصل سوم کتاب «اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام» که توسط معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی در بهار ۱۳۸۷ و به همت مشکینی و حبیبی به فارسی برگردانده شده است در مورد برخی موارد ساختار فیزیکی محیط در صدر اسلام نوشته است [۷].

همچنین صارمی (۱۳۹۰) در کتاب خود با عنوان «ساختار شهر اسلامی» ضمن تشریح ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر اسلامی در فصلی جداگانه برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی را در شهر اسلامی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

## روش تحقیق

به طور کلی تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات کاربردی - توسعه‌ای و روش آن از نوع توصیفی - تحلیلی است. همچنین جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. در واقع در این تحقیق پس از جمع‌آوری اطلاعات نظری مورد نیاز از دو گروه منابع قرآنی و منابع شهرسازی و دسته‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات جمع‌آوری شده به تجزیه و تحلیل پرداخته و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد.

## یافته‌ها

### شهر

واژه شهر که در عربی به آن «مدینه» گفته می‌شود و در قرآن بیست و هفت بار تکرار شده، تعاریف و برداشت‌های متفاوت و متعددی را در میان افراد و علوم مختلف به همراه داشته است [۸]. اما امروزه در ایران جمعیت را مبنای جدایی شهر از روستا قلمداد نموده و به هر واحد جغرافیایی که به هنگام سرشماری بیش از پنج هزار نفر (اخیراً ده هزار نفر) جمعیت داشته و دارای شهرداری باشد، شهر اطلاق می‌شود [۹].

## ویژگی‌های شهر اسلامی

اگر در صفات و ویژگی‌های شهر اندکی دقت نمائیم، می‌توان تجلی همه صفات شهر اسلامی (از دیدگاه تعالیم اسلام) در درون و سیمای شهر، چهره‌ای از آرمان‌شهر اسلامی در ذهن دید. شهری که صاحب این حد از ارزش‌ها است شاید تا کنون در

هیچ دوره تاریخی به حقیقت در نیامده است، اما با کنکاش در شهرهای سنتی می‌توان درصد بالایی از آن‌ها را که ریشه در تفکرات معنوی و آسمانی سازندگانشان دارد، شناسایی نموده و از آن‌ها عبرت گرفت و این گونه است که در گذشته، آموزش معماری نبوده است و بلکه پیشکسوتان قائل به تربیت معمار بوده‌اند و حق طراحی از آن افرادی بوده است که مراحل سلوک را طی کرده بوده‌اند. اما نکته قابل توجه این است که شهر اسلامی، شهر تجلی توحید است [۱۰].

اما باید بین شهر اسلامی و شهر مسلمانان تفاوت قائل شویم. شهر اسلامی مکانی است که در آن احکام اسلامی جاری بوده و براساس فرهنگ اسلامی ساخته شده باشد. در الگوی شهر اسلامی عامل مسلط دین اسلام است و به طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر براساس این عامل نظام و هویت می‌یابد [۱۱]. حال آنکه مراد از شهر مسلمانان، شهری است که مسلمان در آن زندگی می‌کند [۱۲]. از نظر دکتر نفی زاده شهر اسلامی و ویژگی‌های آن را می‌توان در شکل (۱) بیان نمود:



شکل ۱: شهر اسلامی و ویژگی‌های آن

### عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهر اسلامی

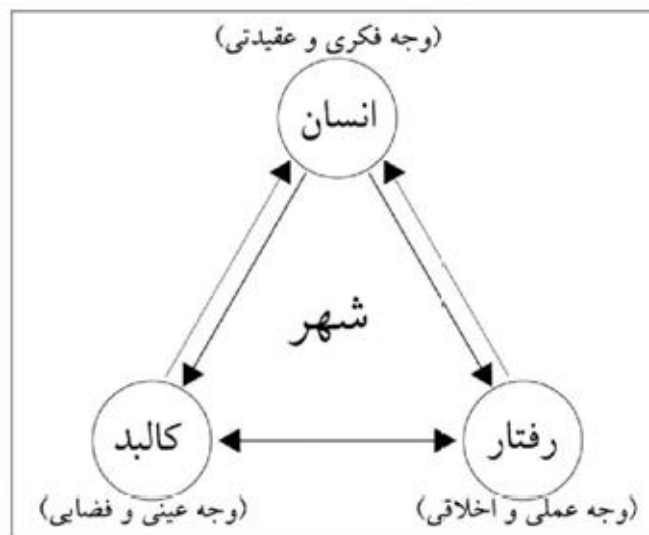
شهر اسلامی یکی از مظاهر تمدن اسلامی است که در شکل‌گیری و استخوان‌بندی آن عوامل متعددی تأثیرگذار بوده‌اند. بدون شک شکل‌گیری فضاهای کالبدی در شهرهای سنتی اسلامی از فضای اندیشه‌ای حاکم بر آن متأثر بوده است. فضای کالبدی بیشتر شهرهای اسلامی متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است که بیانگر وجود روح مشترک برآمده از مکتب الهی است. از سویی فضای کالبدی متناسب با بستر فرهنگی، اندیشه‌ها، رسوم و ارزش‌های زیستی و از سوی دیگر مجموعه‌ای از نشانه‌ها، نمادها و مبانی فکری ایرانی در شکل‌گیری فضاهای کالبدی نمود یافته است [۱۳]. بنابراین می‌توانیم

بگوییم که معماری سنتی و اسلامی و هویت‌یابی آن همواره به تفکر و احساس وابسته بوده است.

### ارکان و قلمروهای شهر

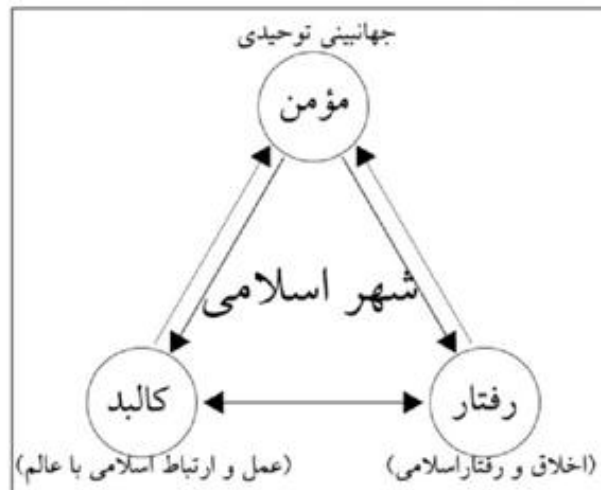
برای شهر سه رکن اصلی قابل شناسایی است:

- ✓ مهمترین عنصر و اصلی‌ترین جزء و عامل پدیدآورنده شهر، انسان یا اهل شهر است.
  - ✓ پس از انسان، قوانین و مقررات، آداب، رفتار و اخلاق اهل شهر قرار دارند.
  - ✓ کالبد شهر به عنوان عامل سوم متأثر از دو عامل دیگر به اضافه شرایط خاص محیطی، اقتصادی، فنی، علمی و هنری است.
- به بیان دیگر، سه قلمرو اصلی شکل‌دهنده شهر که اولین وجه، وجه فکری و اعتقادی انسان است؛ وجه دوم، وجه فرهنگی و اخلاقی و رفتاری و عملی انسان است و بالاخره وجه سوم، وجه کالبدی است؛ حاصل عمل انسانی و فضای رفتارها و تجلی‌گاه باورهای اوست.



شکل ۲: سه قلمرو اصلی شکل‌دهنده شهر

برای ظهور شهر اسلامی، همانند ظهور هر شهری، انطباق و همپوشانی سه فضا یا سه عنصر، به عنوان ارکان آن ضرورت دارد. این سه فضا عبارتند از: فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی یا فضای کالبد (شکل ۲). در حقیقت، شهر اسلامی فقط کالبد نیست، و علاوه بر کالبد، دو مقوله مهم دیگر نیز در تعریف شهر اسلامی و تجلی آن ایفای نقش می‌کنند. اصلی‌ترین عنصر، انسان یا مؤمن است، که البته مهم‌ترین مقوله مربوط به او نیز وجه فکری یا به عبارتی ایمان اوست. عنصر بعدی قوانین حاکم بر شهر و بر همه روابطی است که بین انسان‌ها (اعم از مدیر شهر و اهل شهر) و طبیعت و آثار انسانی حاکم‌اند. این سه عنصر را در شهر اسلامی می‌توان در شکل (۳) مشاهده نمود [۴].



شکل ۳: سه فضا یا سه عنصر شکل‌دهنده شهر اسلامی

## ساختار و ویژگی‌های کالبدی شهر اسلامی

### مسجد

مسجد در شهر اسلامی به دلیل کارکرد و نقش ماندگاری که داشته، به عنوان جزء لاینفک کالبد شهر اسلامی مطرح است؛ بنائی که معماری آن گواه و نمود وحدت در کثرت و یادآور یگانگی خداوند است. در قرون نخستین اسلامی مسلمانان با بهره‌گیری از الگوی مدنی که پیامبر اکرم (ص) در مدینه منوره پیاده نمودند، اقدام به شهرسازی کردند [۱]. مسجد عموماً توسط بازار احاطه شده است و مسجد جامع هر شهر به عنوان برجسته‌ترین عنصر معمارانه منبعث از دین اسلام می‌باشد [۱۳]. لذا مسجد به عنوان قلب شهر اسلامی و اصلی‌ترین بنای مذهبی اسلامی ارتباط مناسبی نیز با دیگر عناصر فرهنگی، اقتصادی و سیاسی داشته و عموماً برای دسترسی راحت‌تر ساکنان، در مرکز شهر قرار داشته تا به والاترین کارکرد خود یعنی عبادت جمعی به نحو احسن دست یابد.

### بازار (سوق)

بازار مرکز فعالیت‌های اقتصادی شهر بوده است. توزیع کالا و فروش آن از نظر مکانی اغلب از جنبه ماهیت‌شان صورت می‌گرفته است [۱۴]. بازار در یک شهر اسلامی حکم ستون فقرات آن شهر را دارد؛ اما در ابتدا عموماً شهرها بر مبنای تجارت و فعالیت اقتصادی شکل نمی‌گرفتند. مسلمانان نیز در طراحی و ترسیم کالبد شهر فضای مناسبی را به بازار اختصاص می‌دادند. بازار در شهرهای اسلامی به منزله مرکز مهم اقتصادی - اجتماعی می‌باشد. همزمان با گسترش اسلام و توسعه فتوحات مسلمانان، بازرگانی و تجارت به عنوان یک ضرورت در شهر مطرح گردید. لذا در شهرهای نوین یاد بر ساختار بازار و مکان‌یابی مناسب آن تکیه می‌شد [۱]. هسته اولیه اغلب بازارها در نزدیکی یکی از پر رفت و آمدترین دروازه‌های شهر تشکیل می‌شده و تا مرکز شهر

ادامه می‌یافت [۱۵]. همچون مسجد، اولین تجربه و الگو در زمینه تأسیس بازار نیز توسط پیامبر اکرم (ص) با ساخت بازار «مهرقه» در مدینه در اختیار مسلمانان قرار گرفت [۱].

#### محلّه

بخش مسکونی شهر اسلامی را محله‌ها تشکیل می‌دادند. محلات در شهر اسلامی ساختار ویژه‌ای داشتند که برگرفته از الگوها و ارزش‌های اسلامی بود. حفظ هویت، مذهب و قومیت‌ها مرهون وجود محلات در بافت شهرهای اسلامی بود. در هر محله ساکنان با زبان، مذهب، اصل و نسب واحد و مشترک در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند که پیامد آن بی‌شک کم شدن فاصله فقیر و غنی و اجرای اصل مساوات و عدالت اجتماعی بود [۱۶]. محله‌های شهرهای اسلامی در ساختار خود از وحدت جغرافیایی خاصی برخوردارند. بن‌بست‌ها، کوچه‌ها، گذرگاه‌ها و مراکز محله‌ها با عناصر عمومی دست به دست هم داده و به محله موجودیت می‌بخشند [۱۳]. در شهر اسلامی حریم خصوصی و حفظ حرمت خانواده اهمیت بسزایی داشت؛ لذا شکل‌گیری نظام محله در صدر اسلام نمود خاصی یافت.

#### دارالاماره یا قصر حکومتی

در ابتدا دارالاماره در جوار مسجد جامع یا نزدیک به آن ساخته می‌شد، زیرا هر دو نهاد مکمل یکدیگر بودند و سهم بسزایی در قدرت و ثبات حکومت ایفا می‌کردند. این امر در طراحی شهرهای اسلامی به عنوان یک سنت تداوم یافت. البته بعدها به دلیل شرایط سیاسی و امنیتی و توجه به دستگاه‌های حکومتی، دستگاه‌های مذهبی را تا حدی به حاشیه برد. به خصوص زمانی که نظام حکومتی اسلام از صورت خلافت که بر پایه شورا استوار بود، درآمد و در آغاز دوره امویان به صورت سلطنتی اداره می‌شد [۱].

اما عناصر و بناهای مختلف در شهرهای اسلامی در کلافی از معابر و شریان‌های ارتباطی، مجموعه واحد و سازمان‌یافته‌ای را می‌سازد. در این مجموعه باید خیابان‌ها و کوچه‌ها به منزله راهرو و خانه‌ها به منزله اطاق‌هایی هستند که یک خانواده از آن‌ها استفاده می‌کنند و تمام شهر یک خانه را تشکیل می‌دهد [۱۷]. هر شهری یک جنبه و وجه کالبدی دارد. کالبد در شهرسازی مجموعه فیزیک و هندسه ساخت و ساز را شامل می‌شود. منظور از فیزیک جنس مصالح و منظور از هندسه شکل ساختمان است. بطور کلی، کالبد شهر در مرحله نخست با شرایط مکانی آن ارتباط داشته است. کالبد شهرهای قدیمی در رابطه با چهار عامل اقلیمی، دفاعی، اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گرفته و در درون این کالبد، فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جریان داشته و فرم و شکل کالبد را تعیین می‌کرده است [۱۸].

هر گروه انسانی، محیطی را به عنوان شهر به وجود می‌آورد که اولاً در آن محیط بتواند آن گونه که اعتقاداتش می‌گویند زندگی کند و ثانیاً کالبد محیط موجود، نشانه هویت معنوی او و واجد معانی، ارزش‌ها و اصولی باشد که به آن‌ها باور دارد و به آن‌ها عمل می‌کند. بنابراین، فضای کالبدی حاصل عمل انسانی و فضای رفتارها و تجلی‌گاه باورهای اوست. بنابراین شهرساز باید برای این سه موضوع تشکیل دهنده شهر به صورت هماهنگ برنامه‌ریزی کند:

- انسان‌سازی (تزکیه اهل شهر که سازنده دو بخش دیگر هستند).



- رفتارسازی (تدوین ضوابط و مقررات که اهل شهر بر اساس آن مشی می‌کنند.
- کالبدسازی [۱۹].

بنابراین شهرسازی و ساختمان‌سازی‌ها در شهر اسلامی باید از اصل فوق تبعیت کنند، تا محله و ساکنان آن در آسایش و آرامش کامل باشند. کاربرد این اصل باید به صورتی باشد تا ساکنان شهر بتوانند نیازهای خود را با کمترین دردسر برطرف سازند. رعایت اصول بهداشتی که از مؤکدات دین اسلام است باید در تمام فضاها به بهترین نحو بروز یابد. امری که امروزه در شهرهای اسلامی با عنوان ناهماهنگی و عدم آسایش شهروندان از آن یاد می‌شود در صوتی که اصول شریعت اسلام در شهرسازی جایگاه ویژه خود را نیابد به یک بحران تبدیل خواهد شد.

همان گونه که می‌دانیم تمدن و مدنیت در اصطلاح، نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در جامعه ویژه رخ می‌نماید. تمدن مجموعه‌ای پیچیده از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، شامل جهات دینی و مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یک دیگر است. یکی از نمودهای و عرصه‌های ظهور این تمدن در ساختار کالبدی و اجزای شهرهای اسلامی به عنوان بسترهای شکل‌گیری تمدن اسلامی است.

## نتیجه‌گیری

ساخت و ساز و به عبارت دیگر نوع معماری و طراحی در شهرها با دیگر ابعاد زندگی شهری رابطه‌ای متقابل دارد و در واقع ساختار کالبدی شهر نقشی اساسی در شکل‌دهی به ساختارهای روحی- روانی، اجتماعی و اقتصادی ساکنین شهرها دارد. شهر اسلامی شهری است که مبانی، ارکان، ساختار و هویت شهر از کلام الهی به روشنی قابل دریافت باشد. اما امروزه با توجه به این که مشکلات زیادی در شهرهای اسلامی وجود دارد و برخی از مشکلات آن‌ها ناشی از ساختارهای کالبدی نامناسب این شهرهاست نظیر بحران هویت، مشکل مشرفیت، عدم مقاوم‌سازی بناها، منظر نامناسب و... بنابراین ضرورت رفع آن‌ها احساس می‌گردد. حرکت به سمت آرمانشهر اسلامی، عطف توجه به زیربنای اجتماعی- اقتصادی را، در اصلاح وضعیت کنونی به سمت وضعیت مطلوب، در قالب نظام برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی هماهنگ با آن می‌طلبد. براساس مبانی و دستورات دین اسلام و نتایجی که از این پژوهش حاصل گردید می‌توانیم بگوییم که فقه و شریعت اسلامی به عنوان اصول و راهنما در ساختمان‌سازی و نظام شهرهای اسلامی، می‌تواند به عنوان مرجع قرار گیرد و در کلیه فرآیند مکان‌یابی و ساخت‌وساز به کار گرفته شود. جنبه فیزیکی و کالبدی شهر، ظاهر مرئی ساخت شهر است و باطن آن ماهیتی اجتماعی دارد. در عین حال تأثیر نظام کالبدی در جهت دادن به فرهنگ و هویت اجتماعی شهر امری غیر قابل انکار است. اسلام و مبانی این دین برای زندگی انسان‌ها ارزش قائل شده و به همه زوایای زندگی توجه داشته است؛ از اتاق خواب، تا حیات و... و برای شهر روح معنوی را قائل شده است، چیزی که ما امروزه از آن به عنوان هویت یاد می‌کنیم. بدیهی است که غفلت از این روح معنوی در ساخت و سازها و جنبه‌های کالبدی به تک بعدی شدن انسان و کاهش رشد و کمال او منجر خواهد شد. برای درک روح ربانی و هویت اصیل شهر و حرکت به سمت آرمانشهر اسلامی، لازم است در زمینه‌های مؤثر بر برنامه‌ریزی و طراحی شهری نهایت بهره‌برداری از اصول اسلامی صورت گیرد.

## منابع

۱. منتظرالقائم، اصغر و رقیه امینی، (۱۳۸۸): «تحلیل و بررسی موقعیت مدنی شهر واسط تا قرن سوم هجری»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال دهم، شماره ۴ (مسلسل ۴۰).
۲. رحیمی، حسن (۱۳۸۴): «در جست و جوی شهر اسلامی پایدار»، مجله پیک نور، سال پنجم، شماره دوم.
3. Rabah Saoud,(2002). Introduction to the Islamic city, Foundation for Science technology and civilization ([www.citymuslims.org/pdf/Islamic-City](http://www.citymuslims.org/pdf/Islamic-City))
۴. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹): «تأملی در چیستی شهر اسلامی، مجله شهر ایرانی - اسلامی»، شماره یکم، پژوهشکده فرهنگ و هنر، تهران.
۵. فلاحت، سمیه (۱۳۹۰): «بر ساخت مفهوم شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره سوم، صص ۳۵-۴۴.
۶. سلیم حکیم، بسیم (۱۳۸۱): «شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی»، ترجمه عارف قوامی مقدم و محمدحسین ملک احمدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۷. ستاری ساربانقلی، حسن و حسین ذبیحی (۱۳۸۸): «نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم (ص) در شهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی»، نشریه فراسوی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۰.
۸. افروغ، عماد (۱۳۷۷): «فضا و نابرابری اجتماعی و ارایه الگویی برای جدایی گزینی فضایی و پیامدهای آن»، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. منصور، جهانگیر (۱۳۸۲): «مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری»، تهران، نشر دیدار.
۱۰. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۸): «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۴ و ۵.
۱۱. ایازی، سید علی نقی (۱۳۸۷): «تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون دینی»، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
۱۲. شکرانی، رضا (۱۳۸۷): «مهندسی فرهنگ اسلامی در مولفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی»، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
۱۳. خدایی، زهرا و علی اکبر تقوایی (۱۳۹۰): «شخصیت‌شناسی شهر اسلامی با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره ۴.
۱۴. شفق، سیروس (۱۳۷۸): «نقش بازار در ساختار فضایی شهرهای اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۲ و ۵۳.
۱۵. مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر (۱۳۷۸): «تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران»، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۱۶. خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶): «شهرهای ایران»، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد، نشر نیکا، تهران.
۱۷. بemat، نجم‌الدین (۱۳۶۹): «شهر اسلامی»، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۸. مجتهدزاده، غلامحسین (۱۳۸۲) «برنامه ریزی شهری در ایران»، پیام نور، تهران.
۱۹. پورمحمدی، مرضیه (۱۳۹۰): «مسلمان و شهر اسلامی»، نشریه علمی - تخصصی پنجره، سال سوم، شماره ۱۲، سازمان نظام مهندسی استان قم.